

مردم غزه، پس از جنگ نسل کشی که رژیم صهیونیستی به مدت پانزده ماه علیه آنها به راه انداخت، ثابت کردند که هرگز از سرزمین خود دست نخواهند کشید و از عزم خود برای آزادسازی کامل فلسطین، از دریا تا رود، و پاکسازی آن از پلیدی و نجاست یهود، عقب‌نشینی نخواهند کرد. چگونه ممکن است غیر از این باشد، در حالی که آن ها بخشی از امتی بزرگ و ریشه‌دار هستند که نه شکست را می‌پذیرد و نه به خفت و خواری تن می‌دهد؟ اگر حاکمان مزدور بر این امت مسلط نبودند، نه رژیم صهیونیستی در سرزمین‌های ما جایی داشت، و نه آمریکا یا دیگر قدرت‌های استعماری کفر، هیچ سلطه‌ای بر ما می‌یافتند.



روزنامه سیاسی هفتگی

در این شماره می‌خوانید:

سرن عرب تنها به منظور خیانت به امت و تفریط در قضایای آن گرد هم می‌آیند... ۲

ابعاد سیاسی روابط میان دولت طالبان و هند... ۲

عربستان سعودی و ترکیه، دو نظامی هستند که حقیقت آن‌ها با انقلاب شام آشکار شد... ۴

فریاد زدن حقوق زن، تلاشی برای فرو بردن او در منجلاب انحلال اخلاقی است... ۴

چهارشنبه ۱۳ شعبان ۱۴۴۶ ه.ق، ۱۴ فوریه ۲۰۲۵ م، ۲۶ بهمن ۱۴۰۳ ه.ش

الرائد الذي لا يكذب أهله

شماره: ۵۳۴۰ تعداد صفحات: ۴

مقاله برگزیده

بازدید نتباهو از واشنگتن و اظهار نظرهای ترامپ درباره تبعید

مهندس باهر صالح

دیدار نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی، بنیامین نتانیاها، با رئیس‌جمهور آمریکا، دونالد ترامپ که روز سه‌شنبه، ۴ فوریه ۲۰۲۵، در واشنگتن برگزار شد، توجه گسترده رسانه‌ای و سیاسی را به خود جلب کرد. این دیدار به دلیل اظهارات مطرح‌شده درباره مسئله غزه و طرح اخراج ساکنان آن که برای بسیاری غیرمنتظره به نظر می‌رسید، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار شد. ترامپ در کنفرانس مطبوعاتی مشترک با نتانیاها در کاخ سفید اعلام کرد: «ایالات متحده کنترل نوار غزه را بر عهده خواهد گرفت و انتظار داریم که مالکیت بلندمدتی در آنجا داشته باشیم». او افزود: «تنها دلیلی که باعث شده فلسطینیان همچنان در غزه بمانند، نبود گزینه‌های جایگزین است». ترامپ همچنین تاکید کرد که نوار غزه می‌تواند پس از بازسازی، به «ریویرای خاورمیانه» تبدیل شود. سپس، درباره امکان مشارکت اردن و مصر در این طرح اخراج اجباری سخن گفت و اظهار داشت که: «ملک عبدالله دوم و عبدالفتاح السیسی، زمین‌هایی را برای سکونت فلسطینیان غزه فراهم خواهند کرد تا در آنجا در آرامش زندگی کنند».

این اظهار نظر موجی از انتقادات و اعتراضات بین‌المللی و جهانی را برانگیخت که ایده اشغال غزه توسط آمریکا و تبعید ساکنین آن را رد می‌کردند و خواستار احیای طرح حل دو دولت بودند. در نتیجه، کاخ سفید سریعاً توضیح داد که طرح ترامپ به معنای اشغال غزه توسط آمریکا یا بازسازی آن نیست، سخنگوی کاخ سفید، کارولین لیویت، در یک کنفرانس مطبوعاتی روز چهارشنبه گفت: «رئیس‌جمهور متعهد به ارسال نیروهای زمینی به غزه نشده است. ایالات متحده هزینه‌های بازسازی غزه را پرداخت نخواهد کرد» در حالی که در اظهار نظرهای روز سه‌شنبه، ترامپ ارسال نیروهای آمریکایی برای کمک به تامین امنیت غزه را رد نکرد و گفت: «ما آنچه ضروری است را انجام خواهیم داد. اگر لازم باشد، آن را انجام خواهیم داد».

وزیر خارجه آمریکا، مارکو رویو، روز چهارشنبه ۲۰۲۵/۲/۵، موضع ترامپ را تعدیل کرد و برای او توجیه ارائه نمود. او گفت که پیشنهادی که ترامپ درباره نوار غزه مطرح کرده، هدف آن یک اقدام خصمانه نیست و پیشنهاد او نشان‌دهنده مداخله، حذف ویرانه‌ها از نوار و پاکسازی منطقه از ویرانی است و توضیح داد: «مردم مجبور خواهند شد در جین بازسازی غزه در جایی زندگی کنند» سپس خود ترامپ روز پنجشنبه گفت که رژیم یهودی پس از پایان درگیری‌ها، نوار غزه را به آمریکا تحویل خواهد داد.

روز جمعه ۲۰۲۵/۲/۷، ترامپ در دیدارش با نخست‌وزیر ژاپن در کاخ سفید گفت: «در اصل، ایالات متحده این موضوع را مانند یک سرمایه‌گذاری ملکی در نظر خواهد گرفت؛ غزه برای ما یک معامله ملکی است، جایی که ما به عنوان سرمایه‌گذار در آن منطقه حضور خواهیم داشت و هیچ اقدام شتاب زده ای انجام نخواهیم داد».

بدین ترتیب، طی چند روز و حتی ساعت، اظهار نظرهای سوی دولت ترامپ و خود ترامپ تغییر کرد و بسیاری این تغییرات را به عنوان بی‌ثباتی در تصمیم‌گیری‌ها یا پیروی از سیاست غرق کردن رسانه‌ها و مردم در اخبار و مواضع پر سر و صدا برای پوشاندن تغییرات و کنار گذاشتن‌های بزرگ در داخل آمریکا تفسیر کردند.

اما موضوع حواس‌پرتی یا «غرق شدن» تنها یک فرضیه است که درباره آن محبت می‌شود بدون وجود شواهد و حقایقی که آن را تایید کند، چرا که جامعه در آمریکا بر مبنای قانون اساسی، قوانین، نهادها و قوه قضائیه اداره می‌شود. ترامپ نمی‌تواند از قانون اساسی یا قوه قضائیه فراتر رود و قوه قضائیه همواره توانسته است تصمیمات رؤسای جمهور آمریکا، از جمله خود ترامپ را در روزهای گذشته به تأخیر اندازد یا لغو کند. همچنین، مجلس سنا، مجلس نمایندگان، وزارت دفاع و نهادهای نظارتی از موسساتی نیستند که به سادگی بتوان آن‌ها را حواس‌پرت یا تحت تأثیر قرار داد.

در مورد موضوع بی‌ثباتی نیز، درست است که تردید و عقب‌نشینی از برخی تصمیمات می‌تواند به عنوان بی‌ثباتی توصیف شود؛ اما این در صورتی است که قبلاً برنامه‌ریزی نشده باشد و خارج از انتظار باشد که چنین وضعیتی برای کشوری مانند آمریکا که برنامه‌ها و سیاست‌های خود را با تکیه بر تیمی از کارمندان، متفکران و سیاست‌گذاران تدوین می‌کند، به سختی محتمل است. ادامه صفحه ۳

گسترش و شدت گرفتن عملیات نظامی در سودان

عالم کران قدر عطاء بن خلیل ابوالرشته



سوال: العریبیه نت در تاریخ ۲۰۲۵/۲/۴ در سایت خود منتشر کرد: (در طی ساعات گذشته، ارتش و نیروهای پشتیبان آن بعد از ایالت الجزیره وارد بخش‌های جنوب شرقی ایالت خرطوم شدند...) و الیوم السابع در تاریخ ۲۰۲۵/۲/۴ منتشر کرد: (خبرنگار کانال القاهرة الاخباریه در خبر فوری اعلام کرد که ارتش سودان تعدادی از روستاهای شرق النیل در ایالت خرطوم را بازپس می‌گیرد) و پیش از آن در ۲۰۲۵/۱/۱۱، نیروهای واکنش سریع توسط ارتش سودان در محور ایالت الجزیره و پایتخت آن، ود مدنی، شکست خوردند. (رهبر نیروهای واکنش سریع، حمیدی، در فایل صوتی نسبت داده شده به او به شکست نیروهایش در ایالت الجزیره اعتراف کرد... الجزیره ۲۰۲۵/۱/۱۳)، سپس جهت کل نبردها در شهرهای سه پایتخت (خرطوم، بحری و ام درمان) به نفع ارتش سودان تغییر کرد؛ به طوری که این ارتش بر چندین موقعیت مهم در این شهرها چیره شده و محاصره فرماندهی کل را برطرف نمود. پس چه چیزی پشت این گسترش و شدت غیرعقول در نبردهاست؟ آیا این همه صرفاً اقدامات محلی ناشی از ظهور نیرویی ناگهانی از سوی ارتش سودان است یا این نبردها ابعاد بین‌المللی در درگیری بر سر سودان دارند؟

پاسخ: برای روشن شدن پاسخ به سوالات فوق، موارد زیر را از دست دادن کنترل آن، ارتش بر شهر ود مدنی چیره شد، این شهر، پایتخت ایالت الجزیره است که در مرکز سودان قرار دارد.

این امر به عنوان نبردی تعیین‌کننده در نزاع میان دو طرف محسوب می‌شود، از آن جهت که این شهر دومین شهر بزرگ سودان است و به واسطه موقعیت مرکزی‌اش در ایالت‌های سودان، طرفی که بر آن چیره شود قادر خواهد بود نیروهای خود را در سایر ایالت‌ها، به ویژه منطقه پایتخت، تأمین نماید. کنترل ارتش بر ود مدنی شوک بزرگی برای نیروهای واکنش سریع ایجاد و تحریکات آن‌ها را مختل نمود؛ به گونه‌ای که با از دست دادن آن، توانایی واکنش سریع در مارس ۲۰۲۴ حاصل نکرد و از تاکتیک دفاعی برای حفظ سایر مقرهای نظامی استفاده نمود. «سایت الرابوئه السودانی»، ۲۰۲۵/۱/۲۵.

۲- اما اوضاع میدانی از ماه سپتامبر ۲۰۲۴ تغییر یافت، چرا که ارتش سودان شروع به جمع‌آوری نیروهای خود کرد و آستین‌های خود را بالا انداخت و آنچه را که «مبار استراتژی» و «استقامت طولانی» می‌نامید، شکست داد و جبهه‌ها را علیه نیروهای واکنش سریع گشود؛ بدین ترتیب بر پل حلفایا و النیل الایض چیره شده و راه را به سمت مرکز پایتخت و «خرطوم بحری» باز کرد، سپس عملیات میدانی در کمتر از یک ماه گسترش و شدت بیشتری گرفت، به طوری که در ۲۰۲۵/۱/۱۱، پس از یک سال

روسیه صلیبی گروهی از جوانان حزب التحریر را دستگیر کرد

در تاریخ ۲۰۲۵/۲/۵، سایت «روسیه امروز» خبری منتشر کرد که در آن اعلام شد: «دستگاه امنیت فدرال روسیه یک سلول تروریستی وابسته به حزب التحریر در شبه جزیره کریمه را از میان برمی‌دارد و پنج نفر را که در حال جذب حامیان حزب ممنوعه در روسیه بودند، دستگیر کرده است». همچنین ویدئویی منتشر شد که عملیات دستگیری و حمله به خانه‌ها را به نمایش می‌گذارد؛ در این ویدئو مشخص شد که آنچه توسط دستگاه امنیت روسیه در خانه‌های جوانان ضبط شده، شامل نسخه‌هایی از قرآن کریم و کتب و جزوات فکری سیاسی اسلامی است که از منشورات شناخته‌شده حزب التحریر به شمار می‌روند.

تعلیق: روسیه نیز، همچون تمامی حکومت‌های دیکتاتوری و پلیسی، هیچ استدلالی برای مقابله با حزب التحریر ندارد، از این رو، به زور و افترا متوسل می‌شود. متهم کردن حزب التحریر به تروریسم، نشانه‌ای از ورشکستگی فکری و ارزشی روسیه است، افتراهایی آشکار که در حقیقت، خود آن‌ها باید از آن شرم کنند. اگر حاکمان روسیه اندکی خرد داشتند، حزب را به حال خود می‌گذاشتند تا پیام خود را به مردم برساند و خود نیز به اسلام، دین حق، رحمت و عدالت، روی می‌آوردند و این سرمایه‌داری پوسیده را که زندگی را تباہ ساخته و نسل‌ها را نابود کرده و کل جهان را به آتش کشیده است، کنار می‌گذاشتند. حزب التحریر، از نخستین روز خود، با خداوند عهد بسته است که پاسدار امین اسلام باشد، پیام هدایت و نور را به بشریت برساند و بر مسیر حق ثابت‌قدم بماند تا خداوند آن را با برپایی خلافت راشده‌ی دوم بر مبنای نبوت به پیروزی رساند که به‌زودی، به اذن خدا، تحقق خواهد یافت.

تبعید برای یهود غاصب و نه برای اهل فلسطین

رئیس‌جمهور آمریکا، دونالد ترامپ، خواستار انتقال اهل سرزمین مبارک در نوار غزه به کشورهای همجوار مانند مصر و اردن شد. از سوی دیگر، دفتر مطبوعاتی حزب التحریر در آمریکا در بیانیه‌ای مطبوعاتی اعلام کرد که این اظهار نظر ترامپ در حضور رسانه‌ها صورت گرفت و نه در دیداری خصوصی با رئیس‌جمهور مصر یا پادشاه اردن، زیرا او می‌خواست امت اسلامی ضریان نبض خود را بشنود و به حاکمان فرصت دهد تا در صورت توان، مردم را برای پذیرش این توطئه جدید آماده کنند. ترامپ نمی‌توانست به این اقدام دست بزند مگر آنکه با چشم خود، همان طور که جهان را نیز دیده بود، شاهد بود که چگونه حاکمان مزدور، اهل غزه را در طول پانزده ماه رها کردند.

افزون بر این، او افزود: سرزمین مبارک (فلسطین) متعلق به ترامپ نیست، بلکه سرزمین اسلامی خراجی است؛ از دریای آن تا رود آن، ملک امت اسلامی به‌طور کامل است، از زمانی که عمر فاروق (رضی الله عنه) آن را فتح کرد تا زمانی که خداوند زمین و ساکنین آن را به ارث گیرد و فرمانده پیروز، صلاح الدین، آن را از صلیبیان آزاد ساخت و سلطان عبد الحمید از آن محافظت نمود و به زودی خلافت راشده، به اذن خداوند، آن را آزاد خواهد ساخت. هیچ‌یک از قدرت‌های متکبر نمی‌توانند امر الهی را که خداوند آن را مقرر فرموده است تغییر دهند؛ چرا که او در این آیه گفت: «ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ وَأَمْدَدْنَاكُم بِأَمْوَالِنَا وَمِنْ جُوعَانِكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا» ان اخستتم اخستتم لانفسکم وان اساتم فلها فاذا جا وَعَدَّ الْاَكْرَهَ لِبَنِي سَوَا وَجُوهَكُمْ وَلِيَدْخُلُوا الْمَسْجِدَ كَمَا دَخَلُوهُ اَوَّلَ مَرَّةٍ وَلِيَبْتِئَرُوا ما علوا تبتئيرا»

دکتر مطبوعاتی حزب التحریر در آمریکا بیانیه خود را اینگونه به پایان رساند: اگر رئیس‌جمهور آمریکا خواست راه حل حقیقی و برقراری صلح عادل در منطقه ایجاد کند، بهترین کار آن است که یهود غاصب را در کشور پهنوار خود میزبانی کند و امت اسلامی باید از تکبر آمریکایی انکار کند و از ارتش‌های خود که در اردوگاه‌هایشان آماده هستند، خواستار اقدام فوری گردد، نه تنها برای جلوگیری از تبعید اهل غزه، بلکه برای آزادی سرزمین مبارک و ما اهل قدرت و استقامت را دعوت می‌کنیم تا با حزب التحریر در برپایی خلافت راشده دوم بر اساس منهای نبوت همکاری نمایند تا ارتش‌های امت را به سمت مسجد الاقصی همانگونه که برای اولین بار وارد آن شدند رهبری کنند و آیات حق دوباره خوانده شود: «وقل جا: الحق وُزِّهَقُ الباطل ان الباطل كان زُهوفا».

خیر حقیقی تنها در شرع خداست

هر چند انسان هر قدر تقی یا عالم آزاد باشد، اما این امر به او حق تشریح نمی‌دهد، زیرا به دلیل ناتوانی، کمبود و نیازمندی او، هر آنچه به دست آید، نتیجه اختلاف، تفاوت و تناقض خواهد بود؛ چه برسد به زمانی که قانون‌گذاران نادان و فاسد باشند!

ای مسلمانان: خیر حقیقی و تنها خیر، در شریعت خالق است و تنها خداوند متعال حق تشریح دارد، زیرا او انسان را آفرید و می‌داند چه چیزی برای او مفید است؛ از اسامی او «العلیم»، «الحکیم» و «الخیر» استنباط می‌شود. یقیناً اگر ما شریعت پروردگارمان را اجرا کنیم، نیازی به قوانین وضعی نخواهیم داشت که مسئله را تشدید و امور را پیچیده می‌سازد.

به همین دلیل حزب التحریر، که به اهل خود دروغ نمی‌گوید، شما را دعوت می‌کند که به عنوان فعالان مخلص در کنار آن بچنکید تا زندگی اسلامی را از نو آغاز کرده و شرع خدا را اجرا کنید؛ شرعی که در آن مظلوم از ظالم عدالت می‌یابد، حقوق بندگان حفظ شده، زن به عنوان عنصری شرافتمند محترم شمرده و عفت و کرامت او نگهداری می‌شود و اموال و دارایی‌ها برای تمامی رعایا محفوظ است تا شما به عزت، سعادت و شرف دست یابید. خداوند فرموده است: «لقد انزلنا الیکم کتابا فیهِ ذِکرُکم افلا تعقلون».

سران عرب تنها به منظور خیانت به امت و تفریط در قضایای آن گرد هم می آیند

استاد محمود اللیثی



نشستی در قاهره در اوایل فوریه ۲۰۲۵ برگزار شد که وزرای خارجه اردن، امارات، عربستان سعودی، قطر و مصر، به همراه دبیرکل کمیته اجرایی سازمان آزادی بخش فلسطین و دبیرکل اتحادیه عرب در آن حضور داشتند تا تحولات اخیر در غزه و قضیه فلسطین را بررسی کنند. این نشست پس از توافق آتش‌بس در غزه و تبادل اسرا، با میانجی‌گری مصر و قطر و حمایت آمریکا، برگزار شد.

این جلسات هیچ تغییر واقعی در مسیر قضیه فلسطین ایجاد نخواهد کرد، بلکه صرفاً برای پیشبرد سیاست‌های عادی‌سازی روابط با رژیم اشغالگر و تثبیت حضور آن در منطقه تشکیل می‌شود. استقبال از توافق آتش‌بس و تمجید از تلاش‌های بین‌المللی، نشان‌دهنده پذیرش ضمنی استمرار اشغال فلسطین و نادیده گرفتن این حقیقت است که تنها راه حل واقعی، آزادی کامل فلسطین است. نقش کشورهای اطراف فلسطین، به حرکت درآوردن ارتش‌ها، ریشه‌کن کردن این رژیم جعلی از بنیان و نابودی هر مانعی است که در این مسیر قرار دارد، در رأس آن، حکومت‌های مزدوری که بر سرزمین‌های ما حکم می‌رانند.

دعوت به تقویت نقش تشکیلات خودگردان فلسطین در غزه و فراخوان برای بازسازی، در حقیقت، فریبکاری برای مردم فلسطین و امت اسلامی است و به معنای چشم‌پوشی از قضیه فلسطین است. این اقدامات، بقای اشغالگران را تثبیت کرده و آنان را برای قتل و ویرانی بیشتر جسورتر می‌سازد، درحالی‌که هیچ تغییری در وضعیت موجود ایجاد نمی‌کند. همچنین، دعوت به اجرای طرح دولتی که مورد حمایت نظام بین‌المللی است، حقوق ماحیان اصلی فلسطین را باز نمی‌گرداند، بلکه رژیم مهبونیستی را به عنوان یک دولت رسمی در سرزمین‌های اسلامی به رسمیت می‌شناسد و با پشتیبانی حکومت‌های مزدور، بقای آن را تضمین می‌کند.

این نشست‌های عربی و بین‌المللی، هرچقدر هم که تکرار شوند، نه حقوق پایمال شده را باز می‌گردانند و نه سرزمین‌های اشغالی را آزاد می‌کنند، بلکه صرفاً پوششی برای پیشبرد سیاست‌های عادی‌سازی روابط با دشمن و چشم‌پوشی از حقوق مسلمین هستند و هیچ خبری از آن‌ها انتظار نمی‌رود؛ بنابراین، امت اسلامی باید از خطر این توطئه‌ها آگاه شود و به‌طور جدی برای ناکام گذاشتن آن‌ها تلاش کند؛ این امر تنها از طریق پایبندی به اصول شرع، رد قطعانه هرگونه عادی‌سازی روابط و سازش و تلاش برای برپایی خلافتی که عزت و کرامت را به امت بازگرداند و مقدسات را از آلودگی غرب و مزدورانش پاک سازد.

این نشست‌ها چیزی جز نمایش‌های سیاسی نیستند که هدفشان ساکت کردن ملت‌ها و القای این تصور است که تلافی برای حل قضیه فلسطین در جریان است، در حالی که واقعیت این است که این جلسات تنها برای تثبیت وضعیت کنونی، حفظ منافع قدرت‌های بزرگ و تداوم حضور رژیم مهبونیستی و ادغام آن در منطقه برگزار می‌شوند. فراخوان برای بازسازی غزه نباید جایگزین تلاش جدی برای آردسازی فلسطین شود. بازسازی بدون آزادی، چیزی جز تسکین موقت یک زخم خونین نیست که تنها به اشغالگران فرصت نفس کشیدن و ادامه سیاست‌های تجاوزکارانه‌شان را می‌دهد.

تا امت اسلامی می‌خواهیم که این نشست‌ها و تصمیمات آن‌ها را قطعانه رد کند و یک طرح واقعی اسلامی را در پیش گیرد که هدف آن، آزادسازی کامل فلسطین و نابودی رژیم اشغالگر باشد و این امر تنها از طریق برپایی خلافت اسلامی و بسیج ارتش‌های مسلمانان برای جهاد در راه خدا محقق خواهد شد.

آمریکا جنگ خود را علیه اسلام و مسلمانان با کمک حکام مزدور گسترش می‌دهد

ای مسلمانان: شما شاهد بودید که پس از به دست گرفتن قدرت توسط ترامپ، دولت او در برگزاری نشست‌هایی با اعضای ائتلاف نظامی چهارگانه (استرالیا، ژاپن، هند و آمریکا) برای اجرای استراتژی خود در منطقه اقیانوس هند و آرام تأخیر نداشت. هدف اصلی این استراتژی آمریکایی در منطقه، مقابله با چین و جلوگیری از برپایی خلافت است.

همچنین می‌دانید که آمریکا استعمارگر، از طریق مزدورانش در سراسر جهان، جنگی علیه اسلام به راه انداخته تا ظهور نظام اسلامی یعنی خلافت را به تأخیر اندازد و سلطه خود بر کشورهای اسلامی را حفظ کند؛ اما این جنگ شکست خورده است، چرا که آمریکا که از رژیم یهود مجرم حمایت می‌کند، سربازان خون طلب و مزدوران سیاسی و فرهنگی او، از نظر اعتبار چیزی ندارند. پیامبر خدا فرموده است: «...ثُمَّ تَكُونُ مَثَلًا جَبْرِيَّةً فَتَكُونُ مَا شَاءَ اللَّهُ أَنْ تَكُونَ، ثُمَّ يَرْفَعُهَا إِذَا شَاءَ أَنْ يَرْفَعَهَا، ثُمَّ تَكُونُ خَلَافَةَ عَلِيٍّ مَتَاجِ التَّوْبَةِ» (رواه احمد). به اذن خدا تحقق بشراه تنها مسأله زمان است؛ بنابراین، از فرزندان خود که به اسلام علاقه مندند بخواهید که قدرت را به حزب التحریر واگذار کنند تا خلافت برپا شود: «إِنَّ الدِّينَ كَقَرْوَا يُثْقِقُونَ أَمْوَالَهُمْ لِيَصُدَّوْا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ فَسَيَقْفُوْنَهَا ثُمَّ تَكُونُ حَسْرَةً لِّمَنْ يَغْلِبُونَ وَالَّذِينَ كَفَرُوا إِلَىٰ جَهَنَّمَ يُخْشَرُونَ».

ابعاد سیاسی روابط میان دولت طالبان و هند

استاد یوسف ارسلان

امیرخان متقی، وزیر امور خارجه طالبان، روز ۸ ژانویه در امارات متحده عربی با ویکرام میسری، معاون وزیر امور خارجه هند دیدار کرد. دو طرف از توافقات جدیدی برای تقویت روابط سیاسی و تجاری میان دو کشور خبر دادند. در این دیدار، بر نقش هند در پروژه‌های توسعه‌ای افغانستان، ارائه «کمک‌های بشردوستانه» و تسهیل صدور ویزا برای شهروندان افغان تأکید شد. همچنین، متقی خاطر نشان کرد که دولت طالبان به دنبال برقراری روابط مثبت با تمامی کشورهای است، با تمرکز بر رشد اقتصادی و ایجاد توازن در روابط بین‌المللی. هم‌زمان با این تحولات، تنش‌ها میان افغانستان و پاکستان شدت گرفته است.



نیروهای پاکستانی حملاتی را به مناطق مرزی افغانستان انجام داده‌اند و روند اخراج پناهجویان افغان را تشدید کرده‌اند.

در مقابل، دولت طالبان نیز مواضع نظامی پاکستان را در آن‌سوی خط دیورند هدف قرار داده است. از زمان بازگشت طالبان به قدرت، هند سفارت خود را در کابل تعطیل کرد، اما از سال ۲۰۲۲، یک هیئت فنی کوچک را در داخل سفارت حفظ کرد تا اوضاع را زیر نظر داشته باشد. در نوامبر ۲۰۲۴، جی. بی. سینگ، معاون وزیر امور خارجه هند در امور پاکستان، افغانستان و ایران، به کابل سفر کرد و با مقامات دولت طالبان دیدار داشت. در این دیدار، وی موافقت کرد که مسئولیت خدمات کنسولی افغانستان در بمبئی به دولت طالبان واگذار شود.

در سال‌های اخیر، هند برخی از متحدان منطقه‌ای خود، از جمله افغانستان، بنگلادش، مالدیو و میانمار را از دست داده است، درحالی‌که روابطش با نیپال و سریلانکا نیز دچار تنش شده است. از سوی دیگر، نفوذ چین در افغانستان، پاکستان و ایران افزایش یافته است که این مسئله نگرانی‌های هند را درباره کاهش قدرت منطقه‌ای‌اش تشدید کرده است. در واکنش به این وضعیت، دهلی‌نو با حمایت آمریکا تلاش دارد به‌جای انزوای سیاسی، نقش فعال‌تری در افغانستان ایفا کند.

در ابتدای روی کار آمدن طالبان، هند این گروه را وابسته به پاکستان تومیف می‌کرد و آن را همراه با چین و پاکستان تحت عنوان محور شرارت قرار داده بود؛ اما این موضع‌گیری با گذشت زمان و افزایش تعامل هند با طالبان به‌تدریج تغییر کرد. آمریکا نیز روابط هند و طالبان را بخشی از استراتژی خود برای مهار نفوذ چین و تقویت جایگاه هند در منطقه می‌داند.

هند به این نتیجه رسیده است که می‌تواند روابط خود را با دولت طالبان بهبود بخشد، به ویژه در شرایط تنش فزاینده میان هند و پاکستان. در پی تحقق این هدف، از طریق ارائه «کمک‌های بشردوستانه»، تکمیل پروژه‌های توسعه‌ای ناتمام در افغانستان و استفاده از بندر چابهار به عنوان جایگزینی برای بندر کراچی و جوادر تلاش می‌کند.

راه حل واقعی و شرعی با یهود

ما در حزب التحریر، پیشر و راستگو در میان اهل خود باقی خواهیم ماند و اعلام می‌کنیم که راه حل واقعی، عملی و شرعی، راه حلی که خدا، پیامبر او، مسلمانان، اهل اردن و اهل فلسطینی که نمونه‌های برجسته‌ای در پافشاری بر سرزمین و خانه‌های ویران‌شده خود نشان داده‌اند، همان راه حلی است که امروزه امکان‌پذیر و کم‌هزینه‌ترین گزینه برای امت می‌باشد؛ هرچند که تأخیر در آن هزینه‌های بسیار سنگین خواهد داشت. این راه حل جدی در اتخاذ حالت جنگ با رژیم یهود و تمامی اقدامات عملی لازم مانند لغو پیمان «وادی عربیه» و سایر توافقات امضا شده با آن رژیم است. نیروهای مسلح ما در بالاترین سطح آمادگی نظامی قرار دارند، به همراه حمایت گسترده مردمی برای اتخاذ چنین اقدامی قاطع.

بیک راه حل جدی و قاطع، مستلزم قطع کامل روابط نظامی، اقتصادی و امنیتی با ایالات متحده، توقف هرگونه همکاری نظامی و سیاسی با آن، لغو پیمان دفاع مشترک و تعطیلی پایگاه‌های نظامی آمریکا است. چراکه آمریکا دشمنی طمع‌کار و حامی اصلی رژیم مهبونیستی است و منافعش در تضاد مستقیم با منافع امت اسلامی قرار دارد؛ بنابراین، هیچ حکومتی نمی‌تواند دم از حاکمیت بر سرزمین خود بزند و هم‌زمان آمریکا را دوست خود بداند، درحالی‌که این کشور او را با کمک‌های مالی تحت فشار قرار می‌دهد و با تهدید «وطن جایگزین» و کوچ اجباری، سیاست‌های خود را بر او تحمیل می‌کند مگر آنکه این حکومت، نافرمانی از دستورات ترامپ را ماجراجویی هراس‌آور بداند که از آن بیم دارد. در این صورت، تنها چیزی که نصیبش خواهد شد، خشم و ناراضی‌امتی است که اکنون کاملاً آماده و به حقانیت آرمان سرنوشت‌ساز خود، یعنی نابودی رژیم مهبونیستی و اخراج تمامی قدرت‌های کفر و استعمار و وحدت امت اسلامی در چارچوب یک دولت واحد با وفاداری مطلق به خداوند، ایمان دارد. پس الله بزرگتر از آمریکاست و الله بزرگتر از رژیم مهبونیستی است.

